

سخنرانی در دیدار کارگزاران نظام و میهمانان خارجی مراسم دهه‌ی فجر در سالروز عید مبعث - 13 بهمن / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

متقابلاً این عید سعید و بزرگ اسلامی را به همه‌ی مسلمانان عالم و به ملت شریف و مؤمن ایران و به شما حضار محترم، بخصوص میهمانان گرامی دهه‌ی فجر تبریک می‌گوییم.

واقعه‌ی عظیم بعثت، با وجود گذشت قرنهای متوالی و اظهار نظر متفکران و اندیشمندان عالم، همچنان شایسته و در خور تدقیق و تأمل از جوانب مختلف است. بعثت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یک حرکت عظیم در تاریخ بشر و در راه نجات انسانها و تهذیب نفوس و ارواح و اخلاق بشر و مقابله با مشکلات و مصایبی بود که بشر در همه‌ی دوران با آن روبه‌رو بوده و هنوز هم هست. همه‌ی ادیان، مقابل با شر و فسادند و راه و صراط مستقیمی به سمت اهداف عالی ایجاد می‌کنند؛ ولی آیین مقدس اسلام این خصوصیت را دارد که یک نسخه‌ی همیشگی است. برای همه‌ی ادوار زندگی بشر، این نسخه کارساز است.

وقتی ما در قرآن کریم می‌خوانیم که «هوآلذی بعث فی الاممیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب والحکمة»، (1) این به آن معنا نیست که با آمدن دین خاتم و رسول خاتم، همه‌ی نفوس بشر تزکیه خواهند شد، یا تزکیه شده‌اند؛ این به آن معنا نیست که بشریت بعد از طلوع قرآن، دیگر روی ظلم و تبعیض و شقاوت و نارساییهای مسیر خود به سمت تکامل را نخواهد دید. اگر می‌گوییم که پیامبر و دین اسلام برای استقرار عدل و نجات مستضعفان و شکستن بنهای جاندار و بی‌جان، قدم به عرصه‌ی وجود گذاشتند، بدان معنا نیست که بعد از طلوع این خورشید پُرفروغ، دیگر مردم ظلمی نخواهند داشت؛ طاغوتی نخواهند داشت و بتی بر زندگی بشریت حکمرانی نخواهد کرد. واقعیت هم نشان می‌دهد که بعد از طلوع اسلام، در اقطار عالم، حتی در محیط اسلامی - البته با گذشت چند ده سال - بتهایی پیدا شدند، طواغیتی پیدا شدند، ظلمهایی به بشریت شد، و همان ناکامیهایی که همواره بشر با آن دست‌به‌گریبان بود، باز هم برای بشریت به وجود آمد.

پس، معنای این که غایت و هدف بعثت، نجات انسان است، چیز دیگری است؛ معنایش این است که آنچه پیامبر و اسلام به مردم دادند، یک نسخه‌ی شفابخش برای همه‌ی ادوار است؛ نسخه‌ی است در مقابل جهل انسانها؛ در مقابل استقرار ظلم؛ در مقابل تبعیض؛ در مقابل پایمال شدن ضعفها به دست اقویا؛ در مقابل همه‌ی دردهایی که از آغاز خلقت، بشر از آن دردها نالیده است. مثل همه‌ی نسخه‌های دیگر، اگر عمل شد، نتیجه خواهد داد؛ اگر متروک شد، یا بد فهمیده شد، یا جرأت و گستاخی اقدام به آن وجود نداشت، کأن لم یکن خواهد بود. بهترین اطبا اگر صحیحترین نسخه‌ها را به شما بدهند، اما شما نتوانید آن را بخوانید، یا بد بخوانید، یا عمل نکنید و در نتیجه متروک بماند، چه تأثیری به حال بیماری خواهد داشت، و چه عیبی بر آن طبیب حاذق است؟

قرنها گذشت، مسلمانان قرآن را فراموش کردند؛ خطوط روشن قرآن در زندگیها محو شد؛ یا بد فهمیدند، یا عمدتاً تحریف کردند؛ یا فهمیدند، اما جرأت و شجاعت اقدام نداشتند؛ یا اقدام هم کردند، محصولی هم به دست آمد، اما برای دفاع و نگهداری از آن محصول، فداکاری نکردند. اگر در صدر اسلام هم کلام پیامبر را نمی‌فهمیدند، یا جرأت نمی‌کردند به آن اقدام کنند و می‌ترسیدند - همچنان که به بعضی از این‌گونه افراد در قرآن اشاره شده است: «یقولون ان بیوتنا عورة و ما هی بعورة ان یریدون الا فرارا» (2) - یا آنچه را که به دست آمد، اگر برای آن فداکاری نمی‌کردند، نمی‌ماند.

امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) صریحاً بیان می‌کند: «و لعمری لو کتا نأتی ما اتیتم ما قام للذین عمود و لا اخضر للایمان عود» ؛ (3) یعنی اگر در صدر اول در کنار پیامبر، ما هم مثل شما - آن کسانی که مخاطبان آن بزرگوار بودند - عمل می‌کردیم، یک شاخه‌ی ایمان سبز نمی‌شد و یک عمود دین برپاداشته نمی‌شد. پس، این چیزها لازم است.

این نسخه در مقابل چیست؟ در مقابل جهالت بشر. این جهالت بشر، آن چیزی نیست که نقطه‌ی مقابلش اختراعات و اکتشافات است؛ بلکه اگر بشر به دانشهای مختلفی دست پیدا کند، اما روابط صحیح انسانی را نشناسد، دچار جهالت است. اگر بشر به اوج علم هم برسد، اما از لحاظ حقوق و احکام، قائل به دو گونه انسان و دو طبقه‌ی بشر باشد، این بشر جاهل است. اگر بشریت به پیشرفتهای مادی هم برسد، اما بنای زندگی، بنای ظالمانه‌ی باشد؛ زورگویی بر زندگی مردم حاکم باشد؛ قدرتهای قوی، ضعف را پایمال کنند؛ در دنیا نور معرفت و انسانیت نباشد؛ در دنیا فریب رایج باشد، باز هم همان جاهلیت است؛ اینهاست آن بلاهایی که بشر را دچار بدبختی و تیره‌روزی می‌کند.

در نهج البلاغه، کلمات و جملات بسیار گویایی در شرایط ظهور اسلام و بعثت پیامبر وجود دارد؛ از جمله: «و الدنیا کاسفة الثور ظاهرة الغرور»، (4) یا در یک جای دیگر: «فی فتن داستهم بأخفافها و وطئتهم بأظلافها و قامت علی سناکها». (5) هر وقت مردم را دچار فتنه کردند، انسانیت را غرق در مشکلات و مسائل اولی خود کردند و راه او را بستند، هر وقت بشر مهذب نبود، ظلم وجود داشت و حاکم بود، از سوی قدرتهای بزرگ نسبت به ضعف زورگویی بود، برادرکشی بود، اخلاق فاسد بود، آن روز، روزی است که همان نسخه را باید عمل کرد؛ کهنه نمی‌شود.

این که هر وقت در دنیا یک حرکت اسلامی دیده می‌شود، عده‌ی شروع به نوشتن می‌کنند که اسلام کهنه شد، روز این حرفها گذشته است. این، یا ناشی از ندانستن حقیقت و محتوای دین اسلام است، یا ناشی از غرض‌ورزی است. سیزده سال است که به خاطر کوبیدن انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، ایادی استکبار علیه اسلام دارند مطلب می‌نویسند و می‌گویند؛ راجع به همین که اینها کهنه‌پرستی است و مربوط به گذشته است! نه، اینها متعلق به گذشته نیست؛ اینها درمان دردهای مزمن بشر است. تا هر وقت این دردها هست، این نسخه به اعتبار خود باقی است. امروز هم به مناسبت این که مردم در شمال آفریقا و در کشور الجزایر حرکت اسلامی کرده‌اند و گرایش اسلامی نشان داده‌اند، (6) باز دوباره همان قلمها شروع کرده‌اند و همان حرفها و همان مطالب را می‌گویند؛ نه، این حرفها بیجاست. بعثت، همیشگی است. نسخه‌ی اسلام که در بعثت آمده، همیشگی است.

اکثر بلیاتی که آن روز دست جهالت و عصبیت بر زندگی مردم در جزیره‌العرب حاکم کرده بود، امروز بر زندگی ملت‌های اسلامی حاکم است. فقر و بی‌سوادی و عقب‌ماندگی علمی و استبداد داخلی و سلطه‌ی قدرتهای استکباری و اختلافات داخلی در کشورهای اسلامی هست. امروز بیش از یک میلیارد مسلمان در دنیا زندگی می‌کنند که می‌توانند در حوادث عالم و مسائل عمده‌ی جهان، یک نظر و حرف تعیین‌کننده داشته باشند؛ اما با این تشنت، با این گرفتاریهای داخلی، با این مشکلات اولی انسانها و ملتها دست به گریبانند و این کمیت عظیم - که بینشان دانشمندان و علما و شخصیت‌های برجسته هم هستند - یک چیز بی‌خاصیت شده است! چرا؟ این دردها را چه چیزی می‌تواند علاج کند؟ اسلام و انبعاث به بعثت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم).

ملت‌های اسلامی باید به اسلام برگردند. البته دروازه‌ها گشوده شده است. قرن گذشته - یعنی قرن سیزدهم هجری - قرن فریادگری فریادگران اسلام بود. از اوایل قرن که میرزای شیرازی (7) - مرجع تقلید بزرگ اسلام - در برخورد با کمپانی انگلیسی، آن فتوای قاطع را داد و یک ملت را به حرکت درآورد، تا واقعه‌ی مشروطیت در ایران، تا حرکت‌های

اسلامی در هند، تا بیداری اسلامی در غرب دنیای اسلام - در خاورمیانه و در منطقه‌ی شمال آفریقا - و بزرگانی که سخن گفتند و سید جمال‌الدین‌ها و دیگران و دیگران، تقریباً قرن فریاد و قرن مبارزات بود، و قرن بعد، قرن تجربه است. این قرنی که ما امروز در آن قرار داریم، قرن تجربه است. قرن چهاردهم هجری، قرن فریاد و بیدارگری و اعلام بود، و این قرن پانزدهم - از آغاز و از افتتاح آن - قرن تجربه و عملکرد است.

می‌بینیم که ملت‌های اسلامی مجرب شده‌اند و دارند عمل می‌کنند؛ یک نمونه، جمهوری اسلامی بود؛ و این نمونه‌ی اول بود. ما به خاطر این که اولین نمونه بودیم، مشکلات بسیاری را گذراندیم. مسلمانان باید از این نمونه، تجربه ببیند. آن ملت‌هایی که امروز بخواهند در کشورهای خودشان حرکت اسلامی را تحقق ببخشند، می‌توانند کار جامعتری از ملت ایران نشان بدهند و به منصفی ظهور بیاورند؛ اگر خدا کمک کند و اگر آنها همت کنند.

مسلمانان جز برگشت به اسلام راهی ندارند؛ جز تشکیل حاکمیت اسلام و تحقق و پیاده شدن عمل اسلامی، راهی ندارند. از دشمنان دیرین و کینه‌ورز اسلام نباید هیچ امید همراهی داشت؛ امید تحمل هم نباید داشت. شما ببینید در این سیزده سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی گذشت - و ما این روزها داریم سیزدهمین سالگرد و شروع سال چهاردهم را جشن می‌گیریم - نسبت به ملت ایران چه کردند، چه گفتند، چه نوشتند و چگونه برخورد کردند؛ اینها برای ملت‌های اسلامی تجربه است.

هیچ تجربه‌ی شیرین‌تر و زنده‌تر و جذاب‌تر از این نیست که ملتی در طول سیزده سال، با وجود این همه فشار از اطراف بر او، و تحمیل یک جنگ هشت ساله و فشارهای گوناگون اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و تهاجم نظامی، و علی‌رغم میل دشمن و قدرتهای بزرگ و ابرقدرتهای عالم، توانسته است بماند و روزبه‌روز قویتر بشود؛ «و مثلهم فی الأنجیل كزرع اخرج شطأه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوجه یعجب الزراع لیغیظ بهم الكفار». (8) امروز این وضع ملت ایران است. ملت ما توانستند روی پای خودشان بایستند، حرکت کنند، پیش بروند، توطئه‌ها را خنثی کنند، جنگی به آن عظمت را پشت سر بگذارند، دشمنان متحد را در این جنگ ناکام کنند؛ و اینها همه به برکت اسلام بوده است. هیچ تجربه‌ی برای مسلمانان از این بالاتر نیست.

البته علیه ما در دنیا حرف می‌زنند؛ ما هم توقع نداریم که حرف نزنند. تریبون‌های درجه‌ی یک عالم در دست صهیونیستها و امریکاییهاست. اگر صهیونیستها علیه جمهوری اسلامی حرف نزنند، باید تعجب کرد. اگر امریکاییها و تبلیغات وابسته‌ی به آنها به ما تهمت نزنند، باید تعجب کرد؛ این طرفش تعجبی ندارد، آن طرف تعجب دارد.

انواع تهمتها را به ما زدند - بزنند - سازمانهای وابسته‌ی به خودشان را در عالم به اسم حقوق بشر و دفاع از فلان شخص و فلان گروه بسیج کردند؛ برای این که جمهوری اسلامی را متهم به نقض حقوق بشر کنند! واقعاً کدامیک از هوشمندان عالمند که به این حرفها لبخند تمسخرآمیز نزنند؟! قدرتهایی که همه‌ی وجودشان در حقیقت بر ضد منافع بشریت است، امریکایی که سرتاسر تاریخ اخیرش - که ما به یاد داریم - آمیخته‌ی با جنایت نسبت به بشریت و ملت‌هاست، اگر ما را متهم به نقض حقوق بشر کنند، ما چه باکی داریم و چه اهمیتی می‌دهیم؟

ما می‌گوییم که حقوق بشر در سایه‌ی اسلام و حکومت اسلامی تأمین می‌شود؛ اسلام است که می‌گوید: «ان الحکم الا لله امر الا تعبدوا الا اياه». (9) این حکم، هر حاکمیت ظالمانه‌ی را نفی می‌کند. هیچ کس حق ندارد بر مردم حاکمیت داشته باشد؛ مگر آن که دارای معیارهای پذیرفته شده باشد و مردم او را پذیرفته باشند.

امروز در جمهوری اسلامی همه‌ی مقاماتی که به نحوی در کار مردم دخالت دارند، مستقیم یا غیرمستقیم منتخب

خود مردمند؛ حتی رهبری. یعنی در نظام اسلامی، دارا بودن معیارها کافی نیست؛ بلکه انتخاب مردم هم شرط لازم است و بدون انتخاب مردم امکان ندارد. این دمکراسی است، یا آن چیزی که در سایه‌ی زرق و برق تبلیغات دروغین، امروز در کشورهای غربی و دمکراسیهای غربی می‌بینیم؛ که البته به همان هم اعتقادی ندارند؟!

حوادث اخیر الجزایر نشان داد که اینها به دمکراسی هیچ اعتقادی ندارند! دمکراسی اگر به معنای انتخاباتی است که ما در اطراف و اکناف دنیا مشاهده می‌کنیم، پس چرا در الجزایر تبلیغات غرب برای کوبیدن اسلام بسیج شد؟! چرا قدرتمندان در سطح عالم حاضر نیستند حقیقت مطلب را درک کنند؟! متأسفانه بعضی از مسؤولان الجزایر هم همین‌طور نمی‌خواهند حقیقت را درک کنند؛ چرا می‌گویند ایران در امور ما دخالت می‌کند؟ چه دخالتی؟! شماها مگر خودتان انقلاب عظیم الجزایر را ندیدید؟ اینها همان ملتند؛ همان ملتی هستند که برای خاطر اسلام مبارزه کردند و جنگیدند؛ اینها مسلمانند. چرا به یک ملت اهانت می‌کنید و می‌گویید که ایران اسلام را توی دهان اینها گذاشته است؟! ملت‌های مسلمان منتظر این نیستند که کسی اسلام را توی دهانشان بگذارد؛ یک نمونه‌اش همین کشورهای شمالی ما که به شوروی سابق وابسته بودند. بعد از دهها سال دین‌زدایی همراه با کمال خشونت، دیدید مردم بدون این که کسی به آنها بگوید، بدون این که کسی به آنها درس بدهد، خودشان فریاد بلند کردند و دم از اسلام زدند؛ همه جا همین‌طور است. ملت‌ها اسلام را می‌خواهند؛ ملت‌ها اسلام را شناخته‌اند.

یک قرن فریاد، دارد نتیجه‌ی خودش را در ذهنیت دنیای اسلام نشان می‌دهد. پیروزی انقلاب اسلامی و تجربه‌ی موفق این ملت فداکار، دارد نتایج و آثار خودش را نشان می‌دهد. ملت‌ها به سمت اسلام گرایش پیدا می‌کنند و مسلماً علی‌رغم همه‌ی کارشکنی‌ها، بالاخره آن که پیروز خواهد شد، ملت‌ها هستند. ما بحمدالله تجربه‌ی اسلام را با افتخار و سربلندی با خودمان داریم. ما این را فهمیده‌ایم که تا وقتی به اسلام متمسک باشیم، این عروه‌ی وثقای الهی در همه‌ی مزال (10) اقدام به ما کمک خواهد کرد؛ «فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لانفصام لها». (11) گسستن در این عروه‌ی وثقای الهی نیست. ما باید مشت‌هایمان را محکم کنیم و این ریسمان و این دستاویز الهی را محکم بچسبیم.

در مسائل اقتصادی، در جنگ، در تهاجم امریکا، در بازسازی، در تبلیغات وسیع علیه جمهوری اسلامی و در همه‌ی حوادث دیگر، ما این را امتحان کرده‌ایم؛ و امام بزرگوار ما (رضوان‌الله تعالی علیه) که معلم این ملت و آموزنده‌ی این راه به این ملت و به ملت‌های دیگر بود، این را به ما توصیه کرد که تا وقتی به اسلام متمسک باشیم، شکست در کار نیست.

البته سختی‌هایی هست که باید تحمل کرد؛ اما این سختی‌ها مقدمه‌ی راحتی‌هاست. آزادی، سربلندی، دست یافتن به پیروزی و ثمرات شیرین حاکمیت اسلامی و نجات از دست قدرتهای ظالمانه، البته سختی‌هایی دارد؛ این سختی‌ها را باید تحمل کرد. در صدر اسلام هم همین سختی‌ها را اول در طول مدتی کشیدند؛ نتیجه این شد که قرن‌ها مسلمانان سرور و قدرت یگانه‌ی عالم شدند. با این که بعدها در ارکان حکومت‌های اسلامی فساد هم رخنه کرد، اما همان بنای مستحکم و مرصوص اولی توانسته بود که این بار سنگین را در طول قرن‌ها بر دوش بکشد. سختی‌ها را تحمل کنیم. ملت‌های مسلمان فداکاری کنند، تا از مشکلات عبور نمایند و از موانع بگذرند.

ما بحمدالله افق را روشن می‌بینیم. ما این بیداری را، بیداری مبارکی به حساب می‌آوریم. ما احساس می‌کنیم که حربه‌ی ابرقدرتها روزبه‌روز گندتر می‌شود؛ همچنان که آن ابرقدرت متلاشی شد و آن مجموعه‌ی عظیم از جغرافیای عالم محو گردید و آن ابرقدرتی که آن‌گونه در دنیا حکم می‌راند، امروز از او عین و اثری نیست؛ این، رفتار عالم را به ما نشان می‌دهد.

حرکت عالم و حرکت تاریخ، به سمت محو قدرتهای ستمگر و ان شاءالله رشد ارزشهاست ؛ البته شرط آن، تلاش و مجاهدت است. هیچ چیز بدون مجاهدت به دست نخواهد آمد ؛ «و من اراد الاخرة و سعى لها سعيها و هو مؤمن» ؛ (12) شرطش اینهاست. مسلمانان باید سعی کنند، باید ایمان داشته باشند، تا خدای متعال ان شاءالله دریچه‌های رحمت را به روی آنها باز کند. این راه ملت ایران است ؛ این راه این جوانان مؤمن است ؛ راه مردمی است که برای اسلام تا امروز با اخلاص مجاهدت کردند. ان شاءالله که خداوند متعال هم دست ما و دست همه‌ی ملت‌های مسلمان را بگیرد، ما را هدایت کند، به ما کمک کند و ان شاءالله قلب مقدس ولی عصر (ارواحنا فداه) از ما راضی و خشنود باشد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

-
- (1) جمعه: 2
 - (2) احزاب: 13
 - (3) نهج البلاغه، خطبه‌ی 56
 - (4) نهج البلاغه، خطبه‌ی 89
 - (5) نهج البلاغه، خطبه‌ی 2
 - (6) ر. ک: پاورقی صفحه‌ی 85 همین مجلد 1312 - 1230 (7 ق
 - (8) فتح: 29
 - (9) یوسف: 40
 - (10) لغزشگاهها
 - (11) بقره: 256
 - (12) اسراء: 19